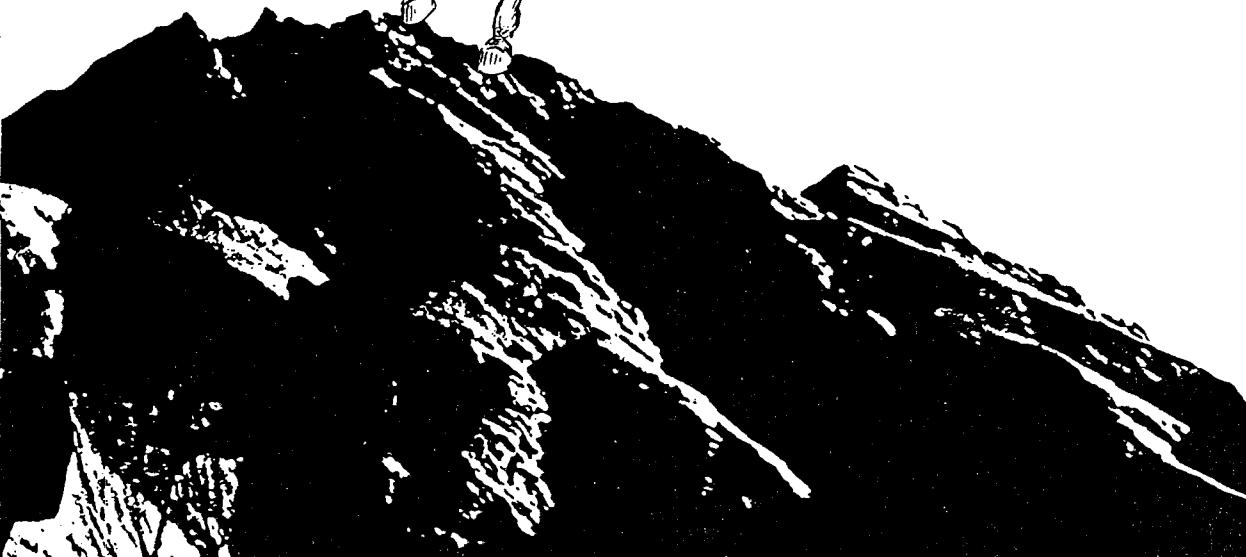
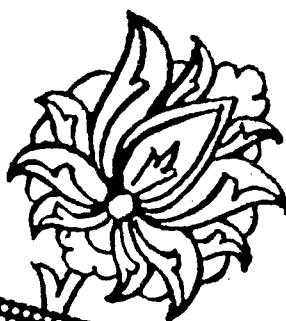


تاجیکستان تاریخی چیست؟

لقمان با یمتف



تاجیکستان، تاجیکستان تاریخی. تاجیکستان معاصر،
نعمان نعمتوف، دوشنبه، ۱۹۹۳. (به زبان تاجیکی)

سخنی درباره مؤلف

زندگی و فعالیت باستان‌شناس و مورخ مشهور عضو آکادمی علوم
جمهوری تاجیکستان پروفسور نعمان نعمتوف با حیات فرهنگی و
علمی جمهوری تاجیکستان به هم قرین شده است.^(۱) نعمان نعمتوف
در پنجم مارس ۱۹۲۷ میلادی، در خجند دیده به جهان گشود. پس از
فارغ التحصیل شدن در رشته تاریخ از دانشگاه دولتی خجند، به

۱. درباره زندگی و فعالیت علمی نعمان نعمتوف تحقیقات بسیاری نوشته شده است. رجوع

شود به:

Numam Negmatovich Negmatov, *Materiali K Bibliographii Uchyonikh Taddzikistana*, Vip 72, Bibliogrphiya Sostavlena M. R. Raddzabovoy, Dushanbe, meros, 1998. (به زبان روسی)

عضویت انسستیتوی تحقیقاتی تاریخ و باستان‌شناسی آکادمی علوم تاجیکستان درآمد و پس از چندی زیر نظر شرق‌شناس مشهور عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی آ. یاکوبفسکی رساله دکترای خود را با عنوان «استروشن در قرون ۱۰-۱۷ م (بر اساس منابع خطی و باستان‌شناسی)» با موفقیت به اتمام رساند و تاکنون ریاست شعبه تاریخ تمدن انسستیتوی تاریخ و باستان‌شناسی و مردم‌شناسی «احمد دانش» آکادمی علوم تاجیکستان را بر عهده دارد.

پروفسور نعمت‌فر طول چهل و پنج سال فعالیت، تحقیقات وسیعی درمورد رشته‌های علم تاریخ (باستان‌شناسی، جغرافیای تاریخی، تاریخ هنرهای زیبا، تاریخ معماری و هنر) انجام داده است و چندین سال است که عملیات باستان‌شناسی و حفاریات ولایات خجند، ناحیه قیراقوم، استروشن و عموماً نواحی شمال تاجیکستان را رهبری کرده و در این مدت به اسناد و اطلاعات علمی بسیاری دست یافته است.

وی در حقیقت بنیان‌گذار مکتب باستان‌شناسی نوین تاجیک است، بیهوده نیست که یکی از بزرگترین و مشهورترین باستان‌شناسان آکادمی شوروی آ. پ. آکلادنیکف او را یکی از ادامه‌دهندگان اسلوب شرق‌شناسی روسیه و شوروی می‌داند، شک نیست که سهم نعمت‌فر در آموختن تاریخ تمدن مردم تاجیک، در درجه بالایی از علم تاریخ و باستان‌شناسی آسیای میانه است.

نعمان نعمت‌فر بیش از ۳۵۰ کتاب و مقاله تألیف کرده که اکثر آنها در کشورهایی چون اتحاد جماهیر شوروی، چک و اسلواکی، هندوستان و... انتشار یافته است. برای مثال مجموعه مقالات علمی «محمد

خوارزمی در تاریخ و تمدن عمومی جهان» که با راهنمایی و ویرایش او در سال ۱۹۸۳ میلادی در دوشنبه به طبع رسید، نظر بسیاری از دانشمندان را به خود جلب کرده و این اثر به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است.

وی در بیش از ۲۰ کنگره و کنفرانس بین‌المللی علمی و شرق‌شناسی شرکت کرده است، از جمله در کنگره مردم‌شناسی ۱۹۷۸ دهلی و کنفرانس بین‌المللی هزارمین سالگرد ابن‌سینا در سال ۱۹۸۰ در آلمان شرقی . . . لازم به تذکر است که فعالیت علمی و تحقیقاتی ایشان را می‌توان به طور مختصر در رشته‌های ذیل عنوان کرد:

الف. تحقیقاتی درباره جغرافیای تاریخی آسیای میانه: این مورد یکی از اساسی‌ترین موضوعات تحقیقاتی این باستان‌شناس نامی است، او در محل مسائل جغرافیای تاریخی، اسلوب کلاسیک تحقیقاتی باستان‌شناسی و منبع‌شناسی را که اس.پ. تالستف و ولادیمیر بارتولد و همچنین صدرالدین عینی و ا.ا. سیمیانف پایه‌ریزی کرده‌اند، با موفقیت ادامه می‌دهد.

او براساس تحلیل و تحقیق اسناد و همچنین استفاده از منابع خطی و تاریخی، توانست توصیف مهم و جالبی از تاریخ فئودالیسم مترقی سرزمین ماوراء‌النهر ارائه دهد. نعمان نعمت‌در علم شرق‌شناسی و ایران‌شناسی بر خلاف نظریه شرق‌شناسی (مادکوردواس. پ. تالستف) نظریه نوینی را بیان کرد که طبق آن ناحیه «اریاناویج» و «خوارزم بزرگ» حدود بسیاری را شامل می‌شود.

ب: آموزش تاریخ ملی آسیای میانه: در تحقیقات و فعالیت‌های

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

این کتاب که به زبان روسی نوشته شده و به زبان تاجیکی ترجمه گردیده، از یک مقدمه و شش بخش کوچک تشکیل شده است. مسائل مطرح شده در این کتاب عبارتند از: نیاکان باستان، آریایی‌های بزرگ، ایرانیان شرقی، مراحل تشکیل اجتماعات تاجیک تاجیکستان تاریخی، حیات تاجیکان و تاجیکستان معاصر، علاوه بر موضوعات اشاره شده اشعار پراحساس شاعران بنام چون لایق شیرعلی، محمود افشار، شیرین بنیاد و کمال نصرالله که با موضوعات مورد بحث همسویی و هماهنگی دارد، بیان شده است.

یکی از ویژگی‌های این تأثیف در آن است که مؤلف مفهوم جدیدی با عنوان «تاجیکستان تاریخی» پیشنهاد نموده که آوردن این موضوع خالی از لطف نیست.

افراد دانا تفاوت بین عبارت «تاریخ تاجیکان» و «تاجیکستان تاریخی» را به سرعت درمی‌یابند و این تفاوت برای تاریخ‌نگاری مهم است.

عبارة «تاریخ تاجیکان» قبل از هرچیز نگاه علمی نسبت به تاریخ و روزگار گذشته مردم تاجیک بود. از این لحاظ مطالب عنوان شده بیشتر جهات و جنبه‌های تاریخی را در برگرفته است. هرچند که محتوای «تاجیکستان تاریخی» تاریخ مردم تاجیک را شامل می‌شود ولی هدف اصلی آن، نگاه علمی از نظر جغرافیای تاریخی نسبت به تقدیر و تاریخ مردم تاجیک است. به گفته مؤلف کتاب، برای افاده محدوده اسکان مردم تاجیک در گذشته، مفهوم خالصانه

«تاجیکستان تاریخی» پیشنهاد شده است.

همین شیوه پرفسور نعمت‌بودن شک پایه‌گذار مفهوم علمی جدیدی در تاریخ‌نگاری تاجیک شد، و این اندیشه نوین در تاریخ فلسفه تاریخ نیز سهم ارزنده‌ای خواهد داشت.

از موضوعات و مسائلی که نعمان نعمت‌بودن این اثر به آن توجه کرده، جایگاه اسلام و فرهنگ اسلامی در تاریخ تاجیکان است. او در این باره می‌نویسد: «در طول ۱۳۰۰ سال موجودیت اسلام در تاجیکستان، موارد تاریخی و فرهنگی زیادی جمع‌آوری شده‌اند که از جمله آنها معماری، صنعت کنده‌کاری، مقبره‌ها و مساجد می‌باشند. اسلام در تربیت اخلاقی بسیاری از نسل‌های تاجیک سهم عمدی داشته و تعلیم و تربیت دنیوی و اخروی اسلام است که توجه عالم و جهانیان را به خود جلب کرده است.»^(۱)

در مورد موقعیت و مقام این دوره، مؤلف می‌نویسد: «علوم دقیق و ادبیات بدیع از یک طرف و تعلیمات دینی از طرف دیگر، معرفت واقعی و حقیقی تاجیکان هزار سال اخیر را تشکیل داده است، باید گفت که دین (اسلام) و دولت همیشه به یکدیگر یاری رسانیده‌اند و روحانیون اسلام در همه زمان‌ها صادقانه به تربیت اخلاقی مردم و منفعت معنوی آنها پرداخته‌اند.»^(۲)

پوشیده نیست که اسلام نه تنها در تاریخ قوم تاجیک، بلکه در تاریخ تمام عالم شرق نقش مهم و ویژه‌ای داشته است و این دوره بزرگ تاریخ شامل تغییرات پی‌درپی اجتماعی و سیاسی برای تمامی

ممالک شرق و قبول مسائل مختلف در سرنوشت بسیاری از ملت‌ها و مردمان این دوره در برابر ناسازگاری‌های تاریخی و همچنین مرحله‌ای مهم در تشکیل و رونق دادن تمدن جدید جهانی از جمله رشد فرهنگ قوم تاجیک در عالم بوده است.

عجیب‌تر آن است که در طول سیزده قرن، عمدت‌ترین فجایع تاریخی، جنگ‌ها و جدال‌های بزرگ و کوچک، پیروزی‌ها و شبکست‌های بی‌حساب، پیشرفت‌های فرهنگی و عقب‌ماندگی‌ها در زندگی مردم شرق به نام اسلام مطرح و اجرا می‌شد و همین نابرابری در روند اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انسان‌های مختلف بوده که اسلام از ابتدای ظهورش تاکنون در جامعه به هر طریق و هر شیوه‌ای مورد استفاده گروه‌های مختلفی قرار گرفته است و با توجه به این نقش، نفوذ دین اسلام در نقاط مختلف تغییر یافته است و شک نیست که مسائل سیاسی و اجتماعی بعد از آن، نفوذ اسلام را در میان ملت‌های مختلف تغییر داده که از آن جمله بر سرنوشت مردم تاجیک نیز که همگی مسلمانند، تأثیر گذاشته است. با توجه به همین موضوع، اندیشه‌های نویسنده در مورد اهمیت تاریخی عهد سامانیان در تاریخ قوم تاجیک مورد توجه خاصی قرار گرفته است. «ما باید در خاطر داشته باشیم که اجداد و نیاکان گذشته ما در سرزمین بزرگ آسیا و اروپا در تاجیکستان قدیم که از آلتای تا گزیت بوده، زندگی می‌کردند. و نیز از یاد نبریم که در قرن دهم میلادی دولت سامانیان در نتیجه جنگ‌های داخلی و خارجی از بین رفته بود و شایسته است که ما از تاریخ گذشته خود تجربه کسب کرده و عبرت بگیریم».

باید از تمام پیشرفت‌های فرهنگی، مدنیت ملی و جهانی آگاهی

یابیم، اگر چه گفته‌های مورخ در روزهای سخت و پرآشوب نوشته شده، ولی از لحاظ اهمیت ذکر آنها ضرورت داشته و در کل برای حل مشکلات سیاسی و اجتماعی کنونی کشور مفید است. دستاوردها، رونق‌ها، فجایع و جنگ‌های خانمان‌سوز، شکست‌ها، پیشرفت‌ها و سقوط همه بهترین نمونه‌های عبرت و همچنین راهنمایی برای ما هستند تا بتوانیم جامعه را برای تربیت وارثان و تکامل خویش در هر صورت بخصوص در لحظات شکست و هرج و مرج آماده کنیم. ولی متأسفانه می‌بینیم که نسل‌ها از سرگذشت نسل‌های گذشته عبرت نگرفته‌اند و این بی‌اعتنتایی نسبت به تاریخ و سرگذشت نیاکان، مساوی با بی‌حرمتی به هستی خویش است. کسانی که تاریخ خودشان را نشناشند، احساس خودشناسی آنها ناقص و یکجانبه خواهد بود و این برای تشکیل و تکامل جهان‌بینی کافی نیست. یکی از دستاوردهای بزرگ تاریخی مردم ایران در مقطعی از زمان به وجود آمده است که از آن در علم شرق‌شناسی به عنوان رنسانس اسلامی یا ایرانی یاد کرده‌اند.

اسناد فراوان، منابع تاریخی و آثار خطی، تأییفات و تحقیقات دامنه‌دار شرق‌شناسان و نتایج به دست آمده از حفريات باستان‌شناسی در شهرهای کهن آسیای مرکزی و همچنین منابع مختلف قرون وسطی، گویای آن است که بی‌شک سیر احیای ایرانیان در ابتدای قرون وسطی آغاز شده و در عهد سامانیان به حد تکامل رسیده است که نعمان نعمت‌آن را «احیای سامانیان» و بعدها در

تألیفاتش «احیای تاجیکان» نامیده است.^(۱) باید گفت که او درباره این مسئله، تألفات زیاد و ارزنده‌ای دارد و در چند مورد از تحقیقاتش دوره‌های اساسی تاریخ و فرهنگ قوم تاجیک را در قرون وسطی معین کرده است. نقد کامل و مفصل احیای ایرانیان، نظریه‌ها و عقاید نعمان نعمت‌فر در مورد این مسئله، در این نوشته ممکن نیست. ولی می‌توان مختصراً از گفته‌های ایشان را درباره احیای تاجیکان و سامانیان دراینجا ذکر نمود:

۱. کرونولوژی دوره احیای تاجیکان : محققان و دانشمندان بسیاری، از جمله شرق‌شناسان نکته‌سنح شوروی، موجودیت دوره احیا را در بین سده‌های ۹ و ۱۰ میلادی که در اصل، رنسانس سامانیان است، تأیید کرده‌اند، اما به نظر نعمان نعمت‌فر این دوره پیشرفت‌های عظیم فرهنگی مردم تاجیک بوده، بنابراین استفاده از مفهوم احیای تاجیکان مناسب‌تر است. نیز اشاره می‌کند که احیای قرون ۹ و ۱۰ میلادی، محدود به دوره سامانیان نیست، بلکه این روند در همه رشته‌ها در قرن ۱۱ میلادی نیز ادامه داشته، که حاصل آن ظهر دانشمندان بزرگ از قبیل ابن سینا در فلسفه و طب و علوم انسانی، ابو ریحان بیرونی در نجوم، زمین‌شناسی، معادن، جغرافیا و مردم‌شناسی، نظام‌الملک در دولت و سیاست، و عمر خیام در فلسفه و نظم فارسی بود.

۲. تعیین مرحله آغازی احیای تاجیکان: نعمان نعمت‌فر می‌نویسد که مرحله آغازی دوره احیای تاجیکان و سامانیان دراین دوره، از بین

رفتن تدریجی ارزش‌های مادی و معنوی به طور موقت و فراموش شدن و فرو پاشیدن فرهنگ مردم ایران و خراسان و ماوراءالنهر و خراسان بزرگ است. بخصوص دراین روند سهم اقوام مختلف و سلسله سامانیان (سال ۶۵۱-۲۲۶) به گونهٔ خاصی ذکر شده است. نتایج روند مذکور چنان‌که دانشمند می‌نویسد به طور خیلی دقیق و عمیق، در بین قرون ۵ و ۷ میلادی در ترویج و گسترش به زبان فارسی میانه، عقاید و جهان‌بینی مذهبی، کامیابی‌های فرهنگی ایرانیان شرق و غرب از جمله درخط، علم و ادب، مسائل مادی و معنوی، هنرهای زیبا، معماری و... منعکس شده است.^(۱)

۳. احیای فارسی تاجیکی که مدت زمانی طولانی را در بر می‌گیرد، یعنی از آغاز قرن ۸ تا ۱۱ میلادی که دورهٔ شکل‌گیری فرهنگ نوین کل ایرانیان است،^(۲) اما این روند مهم تاریخی در برابر هجوم عرب و گسترش اسلام موقتاً از حرکت باز ایستاد و نعمت‌بخوبی یادآور شده است که به خاطر از بین رفتن عقاید و جهان‌بینی محلی بخصوص آیین زرتشتی و ورود و گسترش اسلام، در فرهنگ اجداد ما تاجیکان و ایرانیان را نباید سرزنش کرد، زیرا این معرفت و جهان‌بینی در حقیقت نو و موجب پیشرفت در فرهنگ عمومی بشر است. اما فراموش نباید کرد که سیر تأثیرپذیری ایرانیان در شرق و غرب در طول چندین قرن ادامه یافته است. اگر در شهرهای بزرگ از قبیل بخارا، سمرقند، مرو و بلخ مبدل شدن آتشکده‌ها و عبادت‌گاه‌های زرتشتی به مساجد تا نیمه اول قرن ۱۳ میلادی صورت گرفته باشد،

۲. همان، ص ۲۷.

۱. همان، ص ۲۵-۱۹.

همین روند چنان که نعمان نعمت‌ثابت کرده است، در ولایات استروشن یعنی در شهر پنجکنت در قرن ۹ میلادی به وقوع پیوسته است.

جالب آن است که بنیاد نخستین مناره‌های اسلامی و مساجد با حکاکی‌ها و نقش و نگاره‌ای چوبی از جمله با حکاکی قبل از اسلام آرایه یافته‌اند که متعلق به عصرهای ۱۰ و ۱۱ میلادی است. طبق نظر نعمت‌ثابت، اسلامی شدن معماری شهرها و قصبات خراسان و ماوراء النهر اساساً در دوره سامانیان آغاز شده و بعداً این روند گسترش یافته است، چنان که تحقیقات و تأییفات دانشمندان مشهور از قبیل د. عبدالله اف، ب. آلیت وین‌سکی، ل. یومنکفسکی، آذواموف، عبدالله میربابایف و بسیاری دیگر نیز تأیید می‌کنند که فرهنگ مادی و معنوی قبل از اسلام به طور کلی از بین رفته، ولی پس از مدتی رونق خود را ادامه داده و سپس جزئی از فرهنگ نوین اسلامی را تشکیل داده است، که این تمدن در عصر سامانیان براساس دستاوردهای بسیار مهم باستان‌شناسی از شهرهای سمرقند، پنجکنت، بنجیک، خجند، فرغانه،... است که نعمان نعمت‌ثابت آن را ثابت کرده است.^(۱) لازم به ذکر است که برخی از محققان ایرانی نیز این نظر را ابراز کرده‌اند. و جالب آن است که محققان ایرانی با دستاوردهای دانشمندان شوروی از جمله، تأییفات نعمان نعمت‌ثابت نیز آشنایی نداشته‌اند.^(۲) دوره احیای قوم تاجیک در زمان سامانیان تنها

۱. نعمان نعمت‌ثابت، دولت سامانیان، ص ۲۳۱-۱۵۱.

۲. نقد و بررسی این موضوع مسئله جدأگانه‌ای است.

تکیه بر موقیت‌های فرهنگی اجداد و نیاکان گذشته خویش یعنی سغدیان، باختریان، فرغانیان و سکائی‌ها کرده است.

اکنون قدمت هزارساله قبل از میلاد روشن است و همچنین نیمه ۱۰۰۰ میلادی بر پایه‌های خویش و تمدن ایرانیان شرقی یک زمرة تمدن‌های جدید محلی را به وجود آورد. چنان که پرسفسور نعمت‌نوشته است، این گونه تمدن‌ها از قبیل سغد، استروشن، باکتریا، تخارستان، پارت، خوارزم و فرغانه با مراکز اجتماعی و فرهنگی خود در قلمرو امپراتوری‌های بزرگ تاریخی ساسانیان، سغدیان، خوارزمشاهیان، دولت کنفدراسیونی تخارستان و هیاطله باعث رواج یک نوع تحرك اجتماعی و فرهنگی در روزگاران بعد شدند و بتدریج این فرهنگ‌های پیوسته روی به شاهراه عظیم فرهنگی آورددند که نتیجه آن فرهنگ دوره سامانیان است و آن در حقیقت از درخشنان‌ترین گوهرهای پربهای فرهنگ، البته زبان فارسی دری بود. براین اساس می‌توان گفت که تمامی دستاوردهای فرهنگی قرون ۹ و ۱۱ میلادی محصول خدمات کل ایرانیان است و این را نعمان نعمت‌خوب ثابت کرده است.